



مخالفت با عقل پرورش جهالت است/ ریشه شرارتها و تندخویی ها در جهالت است

رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن دارالحديث با بیان اینکه نیروی اولیه جهل در انسان نهاده شده، اما انسان با اختیارش این جهل را پرورش می دهد، به راه درمان جهل اشاره و تأکید کرد: اگر ما نیروی عقل و جهل را در درون روح انسانی به عنوان دو نیرو در مقابل هم دیدیم راه تضعیف جهالت، تقویت عقل است.

رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن دارالحديث با بیان اینکه نیروی اولیه جهل در انسان نهاده شده، اما انسان با اختیارش این جهل را پرورش می دهد، به راه درمان جهل اشاره و تأکید کرد: اگر ما نیروی عقل و جهل را در درون روح انسانی به عنوان دو نیرو در مقابل هم دیدیم راه تضعیف جهالت، تقویت عقل است.

حجت الاسلام دکتر عبدالهادی مسعودی رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن دانشگاه قرآن و حدیث، در گفتگو با خبرنگار مهر، در مورد تعبیر روایات از جهل و نادانی گفت: در کاربرد روایی در مورد جهل حداقل دو معنا وجود دارد. در روایات هم جهل در مقابل علم و هم جهل در مقابل عقل عنوان شده است. جهل مقابل علم یعنی جهل انسان نسبت به معارف ضروری و علمی که انسان را با مبدأ و فلسفه خلقتش آشنا می کند.

وی افزود: در واقع معارف مورد نیاز زندگی در این دنیا و رسیدن به یک آخرت خوب را اگر انسان نداند جهل و نادانی تلقی می شود و مذموم و نکوهیده است. این معارف معمولاً از طرف پیامبران الهی برای بشر به ارمغان رسیده است اما به این معنی نیست که عقل بشر نتواند بخشی در کنار این میراث را بفهمد و داشته باشد.

مترجم کتاب «#العلم و الحکمه فی الکتاب و السنة» یادآور شد: اما بیش از این معنا و بسیار پرکاربردتری در روایات و آیات شریفه قرآن، جهل به معنای نیروی مقابل عقل است. در معنای اول جهل یک معنای عدمی دارد؛ یعنی جهل نداشتن معرفت، نبود آگاهی و... است، اما جهل در مقابل عقل و خردورزی یک معنای وجودی است. جهل به معنای در مقابل عقل یک شی وجودی درون طبیعت و نهاد اولیه انسان است.

مسعودی تأکید کرد: یعنی همانگونه که عقل وجود دارد و یک آثاری دارد جهل هم پیامدهایی دارد و همانطور که عقل سربازانی دارد جهل نیز و همانطور که عقل نشانه هایی دارد جهل هم نشانه های دارد، لذا می توان تمام زیبایی های اعتقادی، اخلاقی و عملی را سربازان عقل، و تمام زشتی ها و کژیهای اعتقادی و عملی را سربازان جهل بشماریم.

وی در مورد علت جهل در آدمی نیز گفت: جهل به معنای در مقابل خرد به ودیعت الهی در انسان است. یعنی خداوند این نیرو را در انسان می گذارد تا انسان به عنوان یک موجود مختار و موجودی که می تواند سر از کشمکشهای درونی در آورد و بتواند به عنوان یک موجود آزاد با فرشتگان که عقل محض هستند و از حیوانات که فاقد عقل به معنای انسانی هستند، متمایز شود.

مسئول انجمن علمی حدیث افزود: به عبارت دیگر جهل زایده پیشرفت مقدار اولیه نیروی ظلمانی و نیروی حیوانی در انسان است که بر اثر پرورش نابجای این نیروی طبیعی و تضعیف قوه عقلانی پدید می آید. یعنی هرگاه انسان با داشتن دو قسم نیروی درونی، به جای تقویت عقل، از ندها و پیامها و خواسته های عقلانی چشم پیوشد و در پی پاسخ به خواسته های جهل و غریزه حیوانی اش باشد این جهل روز به روز گسترده می شود.

وی در تشریح علت جهل به روایتی از پیامبر اکرم(ص) اشاره کرد و گفت: روایتی در کتب اهل سنت مثل «#حلیة الاولیا» و یا «#کنز العمال» آمده است که پیامبر(ص) فرمود: خدا را اطاعت کنی عاقل نامیده می شوی، خدا را مخالفت کنی جاهل نامیده می شوی و حق محض هستی خداوند است. پس موافقت خدا موافقت با حق است و مخالفت با او مخالفت با حق است.

حجت الاسلام مسعودی تأکید کرد: افزون بر این، تمامی مخالفتهای انسان با عقل پرورش دهنده جهالت است لذا از پیامدهای جهالت همین است که انسان در نتیجه پیروی از جهالت از حقیقت و ارزشهای اخلاقی فاصله می گیرد و به عنوان یک انسان بی اخلاق، نابخرد، گستاخ، سبک سر، تندخو و انسانی که ارزشهای اخلاقی کمی دارد و از رحمت و سخاوت و امانت و حتی حیا و پاکیزگی، صدق و بردباری فروتنی و ... بهره ای ندارد و یا بهره اندکی دارد، نمود پیدا می کند.

وی تأکید کرد: فرد جاهل به تدریج دچار شرارت می شود و گاه بر اثر مخالفت با حق به حماقت می کشد و گاه حتی از دایره ایمان خارج شده و کافر می شود. انسانی ستمگر و سنگ دل می شود و به جای رحمت و مهربانی با دیگران به تندخویی و دشمنی رو می آورد و در صحنه اقتصادی حریص می شود و قناعت را کنار گذاشته و حتی بخیل شده و ممکن است در امانت خیانت کند. به جای هیامندی پرده‌در می شود و به جای شکیبایی ناصبور می شود و در مصیبت و سختی اختیار از کف داده و به تکبر و یا کسالت دچار

می شود و همه اینها از پیامدهای جهل است که همه اینها ناشی از خاموش کردن ندای عقل از درون است.

رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن دانشگاه قرآن و حدیث، در پایان به راه درمان جهل اشاره کرد و گفت: من مثالی می زنم اگر دو حریف کشتی گیر در میدان مسابقه قرار دهیم راه تضعیف دیگری تقویت دیگری است. اگر ما نیروی عقل و جهل را در درون روح انسانی به عنوان دو نیرو در مقابل هم دیدیم راه تضعیف جهالت، تقویت عقل است. اگر ما به عقل و نیروی عقلانی به تمام و کمال رسیده و به وسیله رهسپاری در راه عقلانی- یعنی رعایت هنجارهای اجتماعی و حفظ ارزشهای اخلاقی انسانی و دینی و حفظ آداب درست اجتماعی و اقتصادی- بتوانیم عقل را در درون خود تقویت کنیم و ندای آن را در هر لحظه و در هر دو راهی زندگی بشنویم در واقع به مقابله با جهل می پردازیم.